

سفرنامه

هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی
سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۰ | سال پنجم، شماره ۹۲ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان



مردم چگونه میتوانند از ادارات، احقاق حق کنند؟

فرماندار ارسنجان:
آب آشامیدنی
مردم در گرو
بودجه دولت



گردشگری ادبی؛ باغ قوام هویت مکانی

سفیرمردم| در عصر کنونی که بحران هویت گریبان گیر بیشتر جوامع شده است ملتی بقای خود را تضمین می کند و می تواند حرکت رو به جلوی خود را تداوم بخشد که از تاریخ و گذشته خود آگاه باشد و بتواند روایت گونه میراث خود را به سایرین انتقال دهد.

یکی از این میراث های مهم و شاید مهمترین میراث هر ملتی ادبیات آن ملت است. ادبیات مظهر خودباوری و تجلی خلاقیت است. آنگاه که تصمیم گرفتیم از ابراز خویش نهراسیم.

ادبیات کهن و معاصر ما اکنون در سایه ادبیات سایر ملل تا حدودی رنگ باخته است و از سوی اقشار مختلف کشور به ویژه جوانان نادیده گرفته می شود در جهت معرفی آثار ادبی به جهانیان و تقویت جایگاه به شهروندان جامعه خویش، باید شیوه های جذاب تر و خلاقانه تر اندیشیده شود.

۳

۲

خاطراتی از رزمنده جبهه،
دکتر سجاد پناهی:

شهادتی که
زنده شد

کرونا یا حساسیت؟
مساله این است!

بازداشت سارقی که
طعمه هایش را
بپوش می کرد

۴

۵

۲



فرماندار ارسنجان:

آب آشامیدنی مردم در گرو بودجه دولت



تحصیلات عالی هستند ادامه داد: اکثریت قاطع آنان شغل آزاد دارند و ۱۱ درصد از خانواده شهدا و ایثارگران می‌باشند.

صنعت نیمه تعطیل ارسنجان

عزیزی در بخش دوم سخنان خود اشاره‌ای به وضعیت صنعت این شهرستان کرد و گفت: متأسفانه شهرستان ارسنجان به لحاظ صنعت وضعیت مناسبی ندارد، گرچه داری یک شهرک صنعتی به مساحت ۷۰ هکتار است که سال‌هاست عملیات اجرایی آن شروع شده و زمین‌ها هم به سرمایه‌گذار واگذار شده اما به دلیل برخی مشکلات از جمله مشکلات شخصی سرمایه‌گذار و کمبود آب و آسفالت معابر و... هنوز شروع به کار نکرده‌اند.

وی با بیان اینکه به لحاظ معادن نیز وضعیت نسبتاً مناسبی دارد و حدود ۱۴ کارگاه معدنی فعال و غیرفعال در شهرستان وجود دارد و در مجموع ظرفیت‌ها و

رحیم عزیزی فرماندار شهرستان ارسنجان در گفتگو با خبرنگار این رسانه در ابتدا اشاره‌ای به بحث جمعیت و مساحت شهرستان کرد و گفت: شهرستان ارسنجان با یک نقطه شهری و ۶۸ نقطه روستایی و عشایری دارای حدود ۴۵ هزار نفر جمعیت است که از این تعداد حدود ۱۸ هزار نفر در شهر و مابقی در روستاها ساکن هستند.

وی افزود: این شهرستان به لحاظ وسعت نیز حدود ۱۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد.

عزیزی در ادامه به بحث انتخابات که موضوع داغ این روزهای جامعه است اشاره کرد و گفت: در این راستا ۲۵ نفر ثبت نام داوطلب شورای شهر و ۱۱۸ نفر داوطلب روستا و عشایری هستند که از این تعداد، ۹۶ درصد مرد و ۴ درصد زن هستند و در کل به لحاظ تعداد مشارکت در ثبت نام انتخابات نسبت به دوره قبل افزایش داشته است.

فرماندار ارسنجان با بیان اینکه حدود ۴۷ درصد دارای

پتانسیل‌های معدنی خوبی را دارا می‌باشد، تصریح کرد: متأسفانه مزاحمت‌های مردمی دامداران و کشاورزان باعث شده به خوبی از این ظرفیت‌ها استفاده نشود.

تعطیلی پنج ساله کارخانه جمع آوری شیر

عالی‌ترین مقام دولت در شهرستان در پاسخ به این سوال «شیرازه» که چه تعداد واحد تولیدی واگذار شده یا غیرفعال یا نیمه تعطیل دارید؟ عنوان کرد: کارخانه جمع آوری شیر که متعلق به تعاونی دامداران است پنج سال به دلیل کمبود نقدینگی تعطیل شده است.

اکثر مراکز بهداشت فرسوده و با قدمت بسیار است

عزیزی در ادامه به شرایط بهداشت، درمان و مراکز درمانی و بیمارستانی شهرستان اشاره کرد و افزود: به لحاظ شرایط بهداشت و درمان نیز شرایط و ظرفیت مناسبی نداریم چون اکثر مراکز بهداشت فرسوده و با قدمت بسیار است، تنها یک بیمارستان درمانی بستر ۳۰ تختخوابی داریم که به لحاظ تجهیزات دچار کمبود شدید هستیم و به لحاظ تعداد تخت خواب نیز جوابگوی جمعیت شهرستان نیست و بالغ به ۵۰ تختخواب دیگر به منظور رفاه حال مردم این شهرستان نیاز است.

وی افزود: اگر چه کنگ احداث یک بیمارستان چند سالی است به زمین خورده اما به دلیل کمبود شدید اعتبارات و نقدینگی روند ساخت به کندی پیش می‌رود.

رئیس شورای تامین شهرستان با بیان اینکه کمبود فضاهای بهداشت و درمانی یکی از نیازهای اصلی مردم شهرستان ارسنجان به شمار می‌رود، اظهار کرد: شبکه بهداشت و درمان و مرکز بهداشت شهرستان هیچ کدام یک ساختمان اداری ندارند گرچه چند سالی است ساختمان شبکه بهداشت در دست احداث است اما روند کار به خاطر کمبود اعتبار متوقف شده است.

فرسوده بودن ناوگان آمبولانس شهرستان از مهم‌ترین مشکلات این حوزه است همچنین نیمه تمام بودن چندین طرح بهداشتی درمانی در سطح شهرستان از دیگر موانع و معضلات بخش بهداشت این شهرستان به شمار می‌رود که عزیزی به آنها اشاره کرد.

کرونا با رنگ قرمز در ارسنجان جان می‌گیرد

فرماندار ارسنجان با بیان اینکه از ابتدای کرونا تا کنون قریب به ۷ هزار مورد تست کرونا در این شهرستان گرفته شده است، اظهار کرد: از این تعداد بیش از ۲ هزار و ۱۰۰ مورد کرونای مثبت و ۲۷ مورد فوتی اعلام شده است.

عزیزی عنوان کرد: اگر چه در پیشگیری از کرونا شهرستان ارسنجان موفق عمل کرده به گونه‌ای که در طرح شهید سلیمانی مقام نخست استان، را کسب کردیم اما سهل‌انگاری مردم در تعطیلات نوروز و رفت و آمدهای بی حساب و کتاب باعث شد شهرستان به سمت قرمز شدن پیش برود.

عمده ترین چالش‌های شهرستان ارسنجان از زبان فرماندار

نماینده دولت در ارسنجان به برخی چالش‌ها و مشکلات پیش روی مردم این منطقه اشاره کرد و گفت: با توجه به اینکه بیش از ۸۰ درصد مردم شهرستان درآمدشان از بخش کشاورزی، دامداری و باغداری است اصلی و مهم‌ترین معضل مردم منطقه بحث خشکسالی است که کشاورزان را با مشکل روبرو کرده و خسارات بسیاری را به مزارع و چاه‌ها وارد کرده تا جایی که کاهش بارندگی در سال‌های اخیر موجب کمبود منابع آبی شده است.

آب آشامیدنی در گرو بودجه دولت

وی با بیان اینکه مردم این شهرستان در بحث آب آشامیدنی، هم در مرکز شهرستان و هم در روستاها دچار مشکل هستند، اظهار کرد: در حال حاضر پروژه‌ای جهت انتقال آب از سد دروزن به این منطقه آغاز شده که حدود پنجاه درصد پیشرفت فیزیکی داشته که به دلیل رقم بسیار بالای بودجه همچنان نیمه کاره مانده است و در صدد هستیم با برخی اقدامات اولیه همچون بازسازی چاه‌ها و... مشکل کم آبی را موقت مرتفع کنیم.

به گفته فرماندار ارسنجان یکی دیگر از مطالبات مردم تعمیر، بازسازی و اتمام راه شهر ارسنجان به دهستان خبزیز است، که جاده اصلی ارسنجان به شیراز هم محسوب می‌شود، همچنین اتمام جاده ارسنجان به خرامه، سروستان، جهرم، لار و هرمزگان نیز از دیگر مطالبات مردمی است که نیاز به اعتباری بالغ بر ۴۰ میلیارد تومان جهت اتمام این پروژه دارد که همچنان مغفول مانده است. / شیرازه

بازداشت سارقی که طعمه هایش را بیهوش می‌کرد



سارقی که برای سرقت طعمه‌های خود را بیهوش می‌کرد و دست به دزدی می‌زد در پاسارگاد دستگیر شد. فرمانده انتظامی شهرستان «پاسارگاد» گفت: سارقی که با بیهوش کردن راننده، خودروی او را به سرقت برده بود با سرعت عمل پلیس شناسایی و دستگیر شد.

سرهنگ «مصطفی توکلی» در این خصوص تصریح کرد: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره سرقت خودرو سمنند در شیراز و حرکت سارقی به سمت محورهای مواصلاتی شهرستان پاسارگاد، موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. وی ادامه داد: با اقدامات اطلاعاتی و پلیسی، خودرو مورد نظر در محور «پاسارگاد-خرم‌بید» شناسایی و توسط مأموران پلیس آگاهی شهرستان پاسارگاد طی یک اقدام غافلگیرانه متوقف و سارق دستگیر شد.

قضایی شد، به شهروندان توصیه کرد: از پذیرفتن هر گونه خوراکی و یا نوشیدنی از طرف افراد غریبه خودداری کنند و در صورت مشاهده موارد مشکوک بلافاصله با پلیس ۱۱۰ تماس حاصل نمایند. آخرین قیمت‌های بازار ایران را اینجا کلیک کنید.

وی افزود: سارق در تحقیقات به جرم ارتکابی اقرار و اعلام کرد که در شیراز با استفاده از یک نوشیدنی اقدام به بیهوش کردن راننده کرده و سپس خودروی او را سرقت نموده است. فرمانده انتظامی شهرستان پاسارگاد با بیان اینکه در این راستا پرونده تشکیل و جهت سیر مراحل قانونی تحویل مرجع

کمک ۱۴۵ میلیون ریالی خیرین به تجهیز بیمارستان پاسارگاد



۱۴ عدد دستگاه اولست و مانومتر اکسیژن تحویل بیمارستان امام صادق (ع) پاسارگاد شد

دبیر شورای خیرین سلامت شهرستان پاسارگاد گفت: خیرین حوزه سلامت ۱۴ عدد دستگاه اولست و مانومتر اکسیژن با اعتبار ۱۴۵ میلیون ریال برای بخش اتفاقات بیمارستان امام صادق (ع) این شهرستان تهیه کردند.

یار محمدی افزود: این دستگاه‌ها جایگزین کپسول‌های اکسیژن شده و به یک کپسول مرکزی وصل هستند که از انتقال بیماری از طریق جابجایی کپسول‌ها نیز جلوگیری شود. وی افزود: در مرحله بعدی ۱۰ عدد کپسول اکسیژن نیز برای استفاده در مرکز اکسیژن ساز ستروال بیمارستان نیز تهیه خواهد شد. (خبرگزاری صدا و سیما)

مردم چگونه می‌توانند از ادارات احقاق حق کنند؟



و اختصاص ویژه ای با شکل اخص دادرسی مثل دیوان عدالت اداری ایجاد شده است.

در واقع هیچ فردی با هر سمتی در کل قوای سه گانه و مدیران ارشد و ذریرتین مصون از مسئولیت به وجود آمده قانونی نخواهد بود این افراد در موارد شخصی همچون افراد عادی در مراجع دادگستری دارای صلاحیت قابل تعقیب خواهند بود و در رابطه با انجام وظایف محوله دولتی، علاوه بر آنکه وفق مصوبه شورای عالی اداری در مورد منشور حقوق شهروندی، در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری قابل پیگرد میباشند بلکه بعضا پس از احراز تقصیر در دیوان عدالت اداری (که مرجع رسمی تظلم خواهی از اعمال سازمان ها و نهادهای دولتیست) قابل محاکمه در مراجع قضایی عادی (دادگستری) میباشند.

در امور کیفری گاهی به لحاظ حساسیت رتبه اداری افراد و بررسی دقیق و همه جانبه موضوع، قانونگذار تنها مراجع قضایی مرکز استان و پایتخت را صالح به رسیدگی در کلیه جرائم دانسته است.

به لحاظ انتظارات متقابل شهروندان و ادارات دولتی در مورد مراجعه و حفظ حقوق شهروندی، شورای عالی اداری اقدام به تصویب مصوبه ای نموده که به تفصیل به تکالیف هر دو پرداخته است.

مهدی عزمی

سفر مردم | رشد و توسعه دولت - ملت ها به رشد و توسعه ساختار و نظام اداری و گسترش دامنه تکالیف دولت انجامید، بنحوی که دولت در مناطقی که جوامع کوچکتر انسانی مستقر بودند، مجبور به تاسیس سازمانها و نهادهای مرتبط برای خدمت رسانی گردید. در بدو امر در مناطق غالباً دور از مرکز اصلی قدرت و بعضاً در جنب دولت مرکزی کارگزاران با تعدی یا تفریط حقوق مکاتبه شهروندان را تضييع مینمودند و همین امر بتدریج موجبات رشد ناراضیاتی عمومی را فراهم می نمود که نظام های حقوقی مختلف با تنقیح قوانین و ایجاد مراجع خاص تظلم خواهی و اجرای آن سعی بر، برداشتن چهارچوب مصونیت از مسئولیت حقوقی در رابطه با کارکنان قوای دولتی نموده اند.

قانونگذار کشور ما هم به موازات جوامع دیگر بصورت مدون چه در قانون اساسی و چه در قوانین پائین دستی مثل قانون مجازات اسلامی، مصوبه شورای عالی اداری در خصوص منشور حقوق شهروندی و قوانین دیگر که به اجمال از منظران خواهد گذشت به مسئولیت حقوقی کارکنان قوای سه گانه پرداخته است.

در رابطه با مراجع و طرق احقاق حقوق تضييع شده توسط سازمان و نهادهای دولتی یا موسسات خدمات عمومی یا کارکنان آنها، طبق اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرجع رسمی تظلم خواهی دادگستریست و اصل اینست که هر تظلم خواهی بایستی در دادگستری مطرح و رسیدگی شود و به این منظور (طرح و رسیدگی دعوا علیه کارکنان و سازمان های دولتی) مراجع تخصصی

گردشگری ادبی؛ باغ قوام هویت مکانی

خواننده باشد دلش می خواهد روستاهای شمال خراسان را ببیند. خواننده ای که کتاب باغ مارشال حسن کریم پور را خوانده باشد دوست دارد با زادگاهش و فضایی که بخش های از این رمان ادبی در آن جا شکل گرفته است آشنا شود.

اما ما با این باغ زیبا که نقش بسزایی در ایجاد یک رمان دلنشین و خاطرات جمعی از مردمان داشته است چه کرده ایم؟!

باغ را زیباتر از آنچه که تحویل گرفتیم تحویل دادیم! شوربختانه روزی خبر واگذاری آن به بخش خصوصی به گوش میرسد و زمانی تصمیم بزرگان شهر بر آن می شود که دورش را حصار بگیرند. چند صباح بعد رای بر خرابی دیوار می دهند. روزی سیم خار دار را تجربه می کند و روزی...

و اکنون شاهد رها شدن باغ به حال خودش هستیم. درختان تنومندش خشکیده و شاخه های بادامش شکسته و دیگر خبری از معبرهای زیبای ورودی و داخلی باغ نیست. ورودی در خور و شایسته ای ندارد. روزی تصمیم بر بستن درب باغ به روی مردم شهر هستیم و امروز باغ، جولان موتور سیکلت و ماشین های بی شمار را تجربه میکند، تا همین جان اندک را هم با برپایی آتش به فنا دهیم.

باغی که حافظه تاریخی شهر و مردمانش قطعاً و تحقیقاً از ابتدای ایجاد آن تا کنون خاطرات بسیاری را در خود نهفته دارد. باغی که می توان در آن اوقات فراغت لذت بخش و سرشار از آموزهای گران بار داشت و باعث آشنایی بازدید کنندگان داخلی و خارجی با یک اثر فاخر ادبی و دستاوردهای آن شد و با برانگیختن حس کنجکاوی بازدیدکنندگان از طریق بازدید، ارائه تفسیر و قصه گویی نمود.

باغی که پتانسیل تقویت همبستگی و انسجام در جامعه محلی را داراست و می تواند باعث حفظ نوستالژی جمعی شود.

با توانمند سازی روانی و پرورش حس افتخار و غرور نسبت به دارایی های ادبی در نگاهداشت باغ می توان به خلق ثروت از طریق اشتغالزایی در زمینه گردشگری بر پایه باغ پرداخت.

هیئت امنای کردن مدیریت باغ به مانند تمامی میراث های فرهنگی ادبی جهان راهی جهت بهبود و احیا و نگاهداشت باغ قوام است.

مریم سلیمان پور
کارشناس گردشگری

ادبی می نامند. این مقوله روندی روبه رشد در جهان، به ویژه در کشورهای توسعه یافته دارد. گردشگری ادبی زاینده ی علاقه به یک نویسنده؛ اثر یا فضای ادبی یا میراث ادبی یک مقصد است که شامل بازدید از محل تولد و تدفین ادیبان، موزه های ادبی و همچنین پیروان مسیریابی با مضامین ادبی است. در سالهای اخیر این نوع گردشگری با گسترش تنوع و تعدد جاذبه های عمومیت بیشتری پیدا کرده است. جاذبه های گردشگری ادبی معمولاً در سه شکل زیر متجلی می شوند:

الف) مکان های واقعی: این مکان ها با زندگی یک نویسنده ارتباط واقعی دارند و معمولاً محل تولد، زندگی، آفرینش آثار، مرگ و دفن آن هاست. پوش محل تولد نیما پوشیچ و خانه شهریار در تبریز نمونه های این مکان ها هستند. ب) مکان های خیالی: این مکان ها بیانگر یا تجلی فضای رمان، نمایش نامه یا شعر هستند. از این نمونه خانه خیالی شرلوک هولمز، قلعه ها، دژها و مکان هایی که در ادبیات کهن ما از آن ها یاد شده است را نام برد.

ج) مکان های ساخته شده: مکان های هستند که به عمد برای جذب بازدیدکننده خلق شده اند مانند دنیای دیکنز. اصل توریسم بر مبنای مکان بنا شده است. بازدید از مکان های جغرافیایی اصل شناخته شده ی گردشگری است. مکانی به یک دلیل دارای جاذبه های گردشگری است. مکان هایی که با خود فرهنگ و ادبیات یک کشور را حمل می کنند جاذبه گردشگری ادبی هستند.

بر خلاف تصور عموم از گردشگری، که صرفاً امری برای خوشگذرانی است، گردشگری ادبی علاوه بر اینکه ساعات مفرحی را برای گردشگران فراهم می کند بر دانش و اطلاعات آنان نیز می افزاید و به نوعی تلفیقی از تفریح و آموزش است. معمولاً گردشگران ادبی کسانی هستند که روزگاری از خوانندگان و علاقه مندان آثار شاعران و نویسندگان بزرگ و مشهور بوده اند این گردشگران علاقه مند هستند که مکان هایی را ببینند که الهام بخش شعرها و آثار و نوشته های نویسندگان و شعرا ی مورد علاقه شان بوده است. برگزاری جشنواره ادبی یکی دیگر از فعالیت های مرتبط با گردشگری ادبی است.

فرصت های گردشگری ادبی در ایران خوشبختانه در این زمینه کشور ما دارای پتانسیل بالایی است. فردوسی در طوس، حافظ و سعدی در شیراز، بابا طاهر در همدان و خیام در نیشابور...

گردشگری ادبی از یک طرف درآمد سرشاری برای اقتصاد محلی و از طرف دیگر نقش بسزایی در اقتصاد کلان کشور دارد. قطعاً کسی که رمان کلیدر محمود دولت آبادی را



نهراسیم.

ادبیات کهن و معاصر ما اکنون در سایه ادبیات سایر ملل تا حدودی رنگ باخته است و از سوی اقشار مختلف کشور به ویژه جوانان نادیده گرفته می شود در جهت معرفی آثار ادبی به جهانیان و تقویت جایگاه به شهروندان جامعه خویش، باید شیوه های جذاب تر و خلاقانه تر اندیشیده شود.

در پیوند صنعت گردشگری و میراث ادبی پدیده ای حاصل می شود که در ادبیات حوزه گردشگری آن را گردشگری

سفر مردم | در عصر کنونی که بحران هویت گریبان گیر بیشتر جوامع شده است ملتی بقای خود را تضمین می کند و می تواند حرکت رو به جلوی خود را تداوم بخشد که از تاریخ و گذشته خود آگاه باشد و بتواند روایت گونه میراث خود را به سایرین انتقال دهد.

یکی از این میراث های مهم و شاید مهمترین میراث هر ملتی ادبیات آن ملت است. ادبیات مظهر خودباوری و تجلی خلاقیت است. آنگاه که تصمیم گرفتیم از ابراز خویش

خاطراتی از رزمنده جبهه، دکتر سجاد پناهی: شهیدی که زنده شد



خود آمدم و خودم را سرزنش کردم که تو مگر همان عشایر زاده سرپنیرانی نیستی که پشت جبهه، هارت و پورت می کردی؟ چرا درجا زده‌ای؟ و لذا برای رهایی از این محمصه به رمز عملیات محرم که یا زینب کبری بود پناه بردم و در کمترین لحظات معجزه الهی را در خودم حس کردم و بی درنگ ترس و وحشت از وجودم رخت بر بست و حس و وصف ناشدنی به پناهی برگشت و عزمم در ادامه عملیات، دوشادوش رزمندگان اسلام دو چندان شد و در گرماگر عملیات برای اولین بار مجروح شدم.

مادرت می خواهی به جبهه بروی، یک عده هم به مادر اسرار داشتند که رضایت بده، خلاصه مادرم برای ترساندن من گفت اگر نیایی برویم، خودم را داخل میدان مین می اندازم چون کنار پادگان، میدان مین ارتش بود و این کار را هم کرد اما من به نگهبان ارتش، قبل از اینکه مادرم وارد محدوده سیم خاردار شود خبر دادم که این خانم قصد ورود به میدان مین را دارد و لذا مادرم را برگرداند. خلاصه مادرم دید چاره من را نمی کند دست کرد توی کیفش و یک بسته پسته به من داد و گفت مواظب خودت باش، من با خنده، بهش گفتم مادر جان، خودت هم باور داشتی که حریف من نمی شوی و لذا برایم بسته آوردی، خلاصه از مادر خداحافظی کردم و وارد پادگان شدم و پس از دوره آموزشی، سه روز مرخصی رفتم و به جبهه جنوب سایت موشکی پنج و شش اعزام شدم و در عملیات محرم الحرام شرکت کردم.

موقعی برای اولین بار در عملیات محرم شرکت کردم و چشمم به جنازه سوخته شده خدمه پی ان بی عراقی افتاد، پناهی لرزید و ترس وجودم را برداشت به طوریکه داشت توان ایستادن را از من می گرفت، یک لحظه به

را اذیت نکند و شروع کردم از جهاد و اهمیت دفاع از اسلام و مسلمین برایشان صحبت کردم و در همین حین مردی میان سال که چند قدم آن طرف تر با دو نفر از بسیجیان آموزشی صحبت می کرد با شنیدن حرفهای من، به ما نزدیک شد و گفت: شما که دم از اسلام می زدید آیا کسی که تا الان نماز نخوانده می تواند به جبهه برود؟ آیا جهادش قبول است؟ من گفتم منظورتان چیست؟ اگر منظورتان من هستم، اشتباه می کنید، زیرا من از بچگی اهل نماز و عبادت بودم، گفت: نه، منظورم برادر خانم خودم است، من فوراً حرفش را قطع کردم و گفتم اگر ایشان به اشتباه خودش پی برده باشد و قصد دارد متعبد نماز بخواند، جهادش از من هم مقبول تر است زیرا انسان توبه کار، مانند طفلی است که تازه متولد شده باشد. آن مرد، آب توی دهانش خشک شد و خطاب به مادرم گفت: خواهرم بیهوده اسرار نکن، این پسر تو برای خودش ملایی است و مغز همه را شستشو می دهد چطور می خواهید او را راضی کنید تا شب نشده برو خانه ات و پسر تو را به خدا بسپار، خلاصه همه دور بر ما جمع شدند، یک عده من را سرزنش می کردند که چگونه بدون رضایت

در شهریور ماه سال ۱۳۶۱ از طریق بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارسنجان به اتفاق تنی چند از دوطلبان، از جمله شهید عباس زارع، شهید حبیب زارعی، شهید محمدعلی وطن خواه، برادر رضا غلامی و برادر جانباز اکبر غلامی جهت آموزش دوره بسیجی عازم سپاه آباده شدیم و پس از چند روز تمرینات و خشم شب طاققت فرسا به پادگان شهید دستغیب شهرستان کازرون، جهت گذراندن دوره کوتاه مدت آموزشی انتقال یافته و پس از مدت حدود یکماه آموزش به جبهه جنوب اعزام شدیم. یک روز در حین آموزش بلند گوی پادگان شهید دستغیب اعلام کرد، سجاد پناهی درب جبهه ملاقات، منظور از درب جبهه، درب پادگان بود، بنده با تعجب که چه کسی می تواند در این شهر غریب به دیدار من آمده باشد هراسان، خودم را به درب پادگان رساندم، ناباورانه چشمم به مادرم خورد که گریه کنان مرا در آغوش گرفت و پس از چند دقیقه بهش گفتم این همه راه را از ارسنجان، چرا آمدی؟ گفت آمدم تو را برگردانم، گفتم خودتون هم می دانید که من هرگز کارم را نیمه تمام نخواهم گذاشت، پس بهتر است برگردید و خود

محض پیاده شدن از ماشین، چشمم به غلامرضا افتاد و درجا غش کرد. خلاصه پس از اینکه مردم متوجه شدند که شماره پلاک شهید دیگری به نام ایشان خوانده شده، پس از چشم روشنی به پدر و مادر غلامرضا متفرق شدند و حالا کار ما شروع شد، من پس از دیدار با غلامرضا و گرفتن شماره پلاکش، خودم را به سپاه ارسنجان رساندم و پلاک شهید را با نمک تمیز کردم و دیدم که شماره شش انگلیسی پلاک شهید به علت اینکه چند روزی در منطقه عملیاتی مانده است دچار رنگ زدگی شده و اشتباه هشت خوانده شده که متعلق به غلامرضا عباس زاده بوده و با همین اشتباه کوچک، شهیدی که متعلق به منطقه قنات ابراهیم بوانات بوده، به نام غلامرضا عباس زاده ثبت می شود و بامسئول امور شهدای استان تماس گرفتم و ماجرای پیش آمده را تشریح کردم، البته تا آن لحظه فقط اشتباه عدد را کشف کرده بودم و اینکه پیکر شهید متعلق به کیست، برای استان هم مجهول بود، خلاصه به فوریت، شماره به معراج شهدا داده شد و مشخص گردید که شهید متعلق به قنات ابراهیم بوانات است و اتفاقاً خصوصیات شهید با غلامرضا همخوانی داشت یعنی هم مداح بود و هم اهل عبادت و بندگی خاص خداوند متعالی، دو روز بعد با کسب اجازه از محضر آیت الله سید هاشم دستغیب فرزند شهید محراب، عباس زاده را بردم گلزار شهدای علی آباد کمین و شهید را با احترام نبش قبر نموده و بدنش را خوش بو کرده و به شیراز فرستادیم.

ناهار خورد و پس از اقامه نماز بعضی ها در نمازخانه خوابیدند و حقیر برای تشکیل پرونده شهید و ارسال آن به بنیاد شهید به دفتر کارم که امور ایثارگران بود رفتم، همانظوری که فرم های مربوطه را تکمیل می کردم خواب چشمانم را فرا گرفت، چون حدود بیست و چهار ساعت درگیر برنامه شهید بودم و استراحت نداشتم. حدود ده تا پانزده دقیقه ای نگذشته بود که تلفن دفترم به صدا در آمد، گوشی را با کسالت کم خوابی برداشتم و شنیدم که یک نفر فریاد می زند، پناهی، پناهی، بیابیه، که غلامرضا زنده شده گفتم آقا، بدن سوخته، چطور زنده شده؟؟؟ گفت داستانش مفصل است، فرماندهی و بچه‌ها را خبر کن و بیابید علی آباد کمین، من پس از تلفن دچار حواس پرتی شدم چون خواب آلود بودم و موضوع برایم قابل درک و هضم نبود خلاصه خودم را به اتاق فرماندهی رساندم و زبانم بند آمده بود و با اشاره و جیغ، موضوع را به جناب اثنی عشری فهماندم. تمام ماشین های سپاه بوق زنان از سپاه خارج شدند و در شهر ارسنجان ولوله و زلزله همه جای شهر را فرا گرفت به طوریکه زن و مرد با هر وسیله ای که دم دستشان بود عازم علی آباد کمین شدند یعنی بین ارسنجان تا علی آباد کمین ماشین مثل بند تسبیح، پشت سر هم می آمد، خلاصه رسیدیم علی آباد، دیدیم که از بس جمعیت از قادرآباد، سعادت شهر و ارسنجان آمده اند، در تمام کوچه های علی آباد، آدم موج می زند و برای اینکه همه عباس زاده را ببینند، او را بردند پشت بام خانه پدرش و او مثل امام خمینی، برای مردم دست تکان می دهد و عسکر خادمی به

ولی پدر هرگز گریه نکرد و خدا را شکر می کرد. اما شب همان روز یکی از رزمندگان ارسنجان از مهاباد به من زنگ زد و کاری داشت و من در چند ثانیه به ایشان گفتم فردا تشییع جنازه شهید داریم، کار دارم و نمی توانم بیشتر با شما صحبت کنم، ایشان هم گفت من هم مهمان دارم، اگر ایشان از من می پرسید شهید کیست؟ و یا من می پرسیدم مهمان شما کیست؟ تشییع جنازه‌ای برگزار نمی شد، زیرا مهمان ایشان همان شهید ما یعنی غلامرضا عباس زاده بود. خلاصه سپاه ارسنجان با یک جمعیت انبوه و سپاه پوش، فردای آنروز شهید غلامرضا عباس زاده را با شکوه و عظمت فوق العاده در حد تشییع یک مرجع تقلید که در قم انجام می شد، در ارسنجان برگزار کردند. آنقدر عباس زاده دوست داشتنی بود که اکثر مردم ارسنجان، توابع و سعادت شهر، آن روز با یک غم وصف ناشدنی در مراسم شرکت کردند. البته خداوند مطالبی را به زبان حقیر در مراسم جاری می کرد که دل و جان مردم را می سوزاند. پس از تشییع شهید در ارسنجان، پیکر مطهر شهید را توی آمبولانس گذاشتیم و به طرف سعادت شهر حرکت کردیم. ماشین آمبولانس اولی که وارد علی آباد کمین شد، هنوز آخرین ماشین، شمس آباد یا همان فیجان بود، خلاصه شهید را از سه راه اول سعادت شهر با سیل جمعیت عزادار تشییع کردیم تا درب منزل پدر شهید و از آنجا به گلزار شهدای علی آباد کمین و اقامه نماز شهید در گلزار شهدا و مراسم حدود ساعت یازده و نیم به اتمام رسید و ما همه به سپاه ارسنجان بازگشتیم و کمتر کسی

و اینکه، چند خاطره از تشییع شهدا برای نسل جوان به شرح ذیل بیان می کنم باشد که قدر مجاهدت های ایثارگران را بدانیم و ماترک آنها، که انقلاب اسلامی است را حفظ نماییم.

خاطره اول، بیان حکایت عبرت آمیز تشییع جنازه ی اشتباهی برادر مجاهد جناب آقای غلامرضا عباس زاده است که به شرح ذیل می باشد: یک روز در ایام دفاع مقدس بود که طبق معمول همیشه، شهیدی از مناطق جنگی برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارسنجان می آمد، ابتدا وارد معراج شهدای شیراز می شد و در آنجا طبق آدرس شهید، ثبت و از طرف مسئولین امور ایثارگران استان یا امور ایثارگران سپاه پاسداران شهرستان تماس گرفته می شد و سپاه موظف بود در اسرع وقت آمبولانس خود را جهت آوردن پیکر مطهر شهید، به شیراز اعزام نماید. آن روز نزدیکی های اذان ظهر بود که از شیراز مسئول امور شهدای استان با من تماس گرفتند و گفتند: بیابید شهیدتان را ببرید، من چون از موقعیت و وضعیت اکثر رزمندگان منطقه با خبر بودم تعجب کردم، چون تیپ و لشکرهایی که بچه‌های منطقه سپاه ارسنجان در آن بودند، آروزها عملیاتی نداشتمند، سراسیمه خودم را به اتاق جناب آقای اثنی عشری، فرمانده محترم سپاه ارسنجان رساندم و خبر شهادت غلامرضا عباس زاده را به ایشان دادم و ایشان دستور دادند خودتان برای شناسایی پیکر شهید به شیراز بروید و فوراً حکم ماموریت بنده را صادر کردند و با یک دستگاه آمبولانس به رانندگی جناب آقای مرتضی غلامی یا مرحوم محمدعلی جاویدی عازم شیراز شدم و به محض رسیدن به معراج شهدا درخواست کردم که می خواهم پیکر شهید را شناسایی کنم و پس از اخذ مجوز، تابوت شهید را باز کردند و متأسفانه با یک پیکر سوخته و غیر قابل شناسایی برخوردیم و از جواز شهید که تنها مدرک شناسایی منطقه جنگی بود قانع شدم ولی موقعی شهید را به ارسنجان انتقال دادم سر فرصت پیکر شهید را بررسی کردم و تنها جایی که کمتر سوخته بود پیشانی شهید بود و جای سجده به خوبی دیده می شد و پس از این رویت، یقین کردم که خود غلامرضا باشد چون پیشانی ایشان بر اثر عبادت و بندگی خداوند پینه بسته بود و باز هم قسمت هایی از لباس ایشان که نیمه سوخته شده بود را بررسی کردم و داخل جیب نیمه سوخته ایشان دفترچه نوحه ای دیدم و چون عباس زاده مداح هم بود برایم یقین حاصل شد و با همین نشانه ها به پدر و مادر بزرگوارش اطمینان دادم که خود غلامرضا است البته مادر صبورانه اشک می ریخت



زایش چند گوساله گوزن زرد در پهنه‌های زیست محیطی فارس ثبت شد



زایش چندگوساله گوزن زرد ایرانی در پهنه‌های زیست محیطی شهرستان های ارسنجان و کازرون استان فارس در روزهای گذشته به ثبت رسید. رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان ارسنجان، اعلام کرد: سه راس گوساله گوزن زرد ایرانی در پهنه‌های زیست گوزن زرد ارسنجان زایش یافت.

حسن ابراهیمی بیان کرد: با توجه به مشاهدات عینی ماموران یگان اجرایی این شهرستان، سه راس گوساله گوزن زرد ایرانی در فروردین ماه ۱۴۰۰ متولد شده است.

وی افزود: با تلاش‌های انجام شده و توجه ویژه ماموران این سایت، شرایط نگهداری از گونه کمیاب گوزن زرد ایرانی که در خطر انقراض است به نحوی فراهم شد که از ابتدای سال تا کنون سه راس گوزن متولد شده و کمک شایانی به احیای این گونه ارزشمند کرده است.

رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان ارسنجان، گشت و پایش و نظارت مستمر، تغذیه و فراهم کردن امنیت زیستگاه و نهایتاً مدیریت بهینه و مطلوب را از دلایل ازدیاد جمعیت این گونه برشمرد.

گوزن زرد ایرانی از نظر ارزش حفاظتی جزو گونه های در معرض خطر انقراض سازمان بین‌المللی حفظ حیات وحش قرار دارد. گوزن زرد ایرانی دارای جثه ای کوچکتر از مارال و از شوکا بزرگتر است. این گونه حیات وحش علفخوار، سرشاخه خوار و نشخوار کننده است.

پهنه احیا، تکثیر و پرورش گوزن زرد به مساحت حدود

۳۰۰ هکتار در ۸ کیلومتری شرق شهر ارسنجان در جنگل خلیل بیگ واقع شده است.

در سال ۱۳۹۰ و با راه‌اندازی این پهنه، تعداد ۷ راس گوزن زرد در منطقه رهاسازی شده بود که اکنون به ۵۲ راس رسیده است.

تولد گوساله گوزن زرد ایرانی در ایستگاه میانکتل شهرستان کازرون

نخستین گوساله گوزن زرد ایرانی در ایستگاه میانکتل کازرون در سال جاری در روزهای نخست فروردین ماه و دومین زایش در روز گذشته در این منطقه به ثبت رسید.

جمال خدایپرست رئیس اداره محیط زیست کازرون در این زمینه گفت: محیط بانان ایستگاه مطالعاتی گوزن زرد ایرانی میانکتل، حین گشت و پایش در روز پنجشنبه ۲ اردیبهشت دومین گوساله ی گوزن زرد ایرانی تازه متولد شده را مشاهده کردند.

وی روز جمعه اعلام کرد: در گشت و پایش های تاریخ مذکور، تعداد ۴۶ راس گراز، شامل هفت راس گراز ماده به همراه ۳۹ تولد تازه متولد شده نیز مشاهده کردند.

خدایپرست همچنین افزود: با توجه به مشاهدات میدانی، پیش بینی می شود در فصل جاری، تعداد پنج راس گوساله گوزن زرد ایرانی در این ایستگاه متولد و به جمعیت گوزن های موجود اضافه شوند.

شهرستان کازرون در فاصله ۱۳۰ کیلومتری جنوب غربی و شهرستان ارسنجان در فاصله ۱۲۰ کیلومتری شمال شرقی شیراز در استان فارس قرار دارند.

... ادامه از صفحه ۴

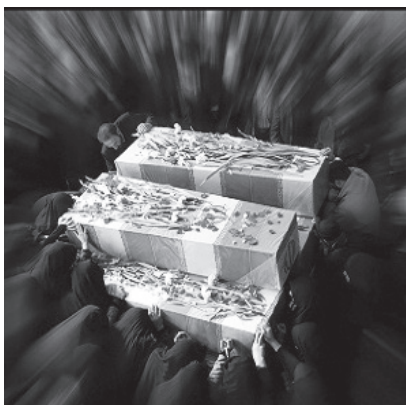
جوادیه (فشار) رفته و جریان را با پدر و مادرش در میان گذاشتم و آنها پیشنهاد را پذیرفتند که به اتفاق مادر شهید برای شناسایی، به معراج شهدای شیراز برویم به محض رسیدن به معراج، درخواست کردم می خواهیم جنازه شهید را به اتفاق مادرش ببینم و پس از اخذ مجوز از مسئول معراج، پیکر مطهر شهید را برای بررسی به سالن کشف هویت برده و از ما خواستند برای شناسایی به آن سالن برویم، موقعی که بالای پیکر شهید قرار گرفتیم مادرش را مانند کوه استوار دیدم و روحیه گرفتم، از مادر شهید پرسیدم آیا لباس های شخصی او را می شناسید جواب دادند بله، این پیلوری که زیرلباس، تشنوش هست، شخصی

خاطره دوم مربوط به شناسایی شهید سهراب زارعی از روستای جوادیه ارسنجان هست، یک روز در ایام دفاع مقدس بعد از عملیات کربلای پنج از معراج شهدای شیراز به بنده زنگ زدند که یک پیکر بی سر از جبهه به آدرس استان فارس آمده معراج شهید، لیست مفقودین عملیات اخیر را با مشخصات کامل سجلی و نشانه های بدنی بردارید بیاید شیراز، من به نگاهی به لیست انداختم، به ذهن و دلم افتاد که ممکن است سهراب زارعی باشد و لذا ضمن مشورت و اجازه از فرماندهی سپاه ارسنجان به روستای

و از آن سهراب است، دوباره سوال کردم نشانه ی بدنی از ایشان توی ذهنتان هست، با عجله گفتند بله، گفتم چی؟ گفت موقعی نوجوان بود پای چپش رفت لای زنجیر چرخ و زخمی شد و جایش مشخص است، پوتین و جوراب شهید را بیرون آورده و علامت و نشانه ای که مادرش گفته بود به عینه روشن بود و لذا با اجازه مادر شهید فرم کشف هویت را امضاء کردم و جنازه مطهر و بی سر شهید سهراب زارعی را جهت تشییع به سپاه ارسنجان انتقال دادیم و با جنازه مطهر سردار شهید احمد خادمی با شکوه وصف ناشدنی تا خانه ابدی مشایعت کردیم.

اداری، برای امضای پذیرش جنازه به اتاق رئیس تشخیص فوت در دادگستری رفته و پرونده تشکیل شده را جهت امضاء جلوشون گذاشتم ابتدا به پرونده نگاهی انداختم و سری تکان دادم و زیر چشمی هم به من که لباس سپاهی سبز با پوتین پوشیده بودم، نظری انداختم وزیر لب گفت عجب دیوانه هایی پیدا می شوند، من خودم را به نشنیدن زدم و ایشان پس از توری پرونده فرمی را به من داند تا به دبیرخانه برده و شماره کنم. همانطوری که پست پنجره دبیرخانه که در نزدیکی درب اتاق همان آقا بود، ایستاد بودم ایشان بلند بلند پشت تلفن به یه آقایی زنگ زدند و گفتند یه پاسدار جوان بی ریش، یه مرده از دهات ارسنجان برداشته آورده ادعا می کند که شهید شده!!! چند دقیقه دیگر میاد جنازه را بگذارید تو نوبت کالبد شکافی، باز هم من خودم را کنترل کردم و با اجازه ایشان، یعنی همان کارمند طاغوتی دادگستری، به قسمت کالبد شکافی رفتم و پس از یک ساعتی انتظار، دکتر مخصوص آمد و من رفتم پیش ایشان گفتم از ارسنجان آمدم و جنازه یک مجروح جنگی را آورده ام و در شهرستان اعلام کردیم که فردا تشییع خواهد شد یه لطفی کنید جنازه ایشان را معاینه کنید، ایشان پرونده را گرفتند و گفتند بروید ساعت یک بعد از ظهر بیاید تا نتیجه را مکتوب بتهتون بدهم، من گفتم آقا دکتر همیشه زودتر پیام گفت حالا که اسرار دارید ساعت دوازده بیاید، رفته بیرون نشستم

خاطره سوم در باره مجوز شهادت از پزشک قانونی شیراز، درصحبگاهان یکی از روزهای پایانی جنگ تحمیلی (دفاع مقدس) بود و من در حالی که در دفتر کارم مشغول انجام امورات ایثارگران بودم تلفن روی میزم به صدا درآمد. گوشی را برداشتم و صدای غم زده‌ای، گوشم را به لرزه در آورد و صاحب این صدا، مرحوم محمد علی جاویدی راننده سرویس مینی بوس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارسنجان بود که گفت پناهی، قاسم سهرابی امروز صبح در بین راه در سرویس سپاه ابتدا بی هوش شد و پس از دقایقی جان به جان آفرین تسلیم کرد و جنازه اش را به بیمارستان مراد خانی ارسنجان آورده ام حالا چه کنم؟ گفت همان جا باش تا از فرماندهی کسب تکلیف کنم، من با شنیدن این خبر اسفناک، خودم را به دفتر فرماندهی رسانده و ماجرا را برای فرماندهی وقت سپاه پاسداران ارسنجان بیان کردم، ایشان فوراً از من پیشنهاد خواست و حقیر هم گفتم با توجه به اینکه جناب سهرابی مجروح جنگی و شیمیایی هستند اجازه بدهید تا جنازه ایشان را به مرکز استان یعنی شیراز برده و علت فوت ایشان را مشخص کنیم، و اگر بر اثر جراحات جنگی فوت شده باشند، طبق اسناد بالادستی شهید محسوب می‌شوند، ایشان بی‌درنگ پیشنهاد را پذیرفتند و دستور حکم ماموریت را دادند و با یک دستگاه آمبولانس جنازه را به پزشک قانونی دادگستری شیراز انتقال داده و در حین انجام امورات



وساعت یازده و نیم رفته و دیدم دکتر همه جنازه‌ها را معاینه کرده و منتظر نتیجه آزمایش هاست خلاصه حدود ساعت یک و نیم جواب آزمایش ها رسید و موقعی جواب آزمایش شهید سهرابی رامی خواند گفت بدنش مملو از سم ناشی از گاز شیمیایی است به طوری که خونش فاسد شده و بدنش را از قدرت انداخته و دچار افت فشار شدید شده و ایست قلبی کرده، خلاصه به طور مفصل علت فوت را ناشی از جراحات جنگی شرح داده و امضاء کردند و حقیر در این موقعیت، بسیار خوشحال شدم که زحمتم نتیجه خوبی داده و شهادت ایشان از نگاه علمی تایید شده است و لذا رفتم تو اتاق همان یارو که بهم کنایه وطنه زده بود و بهش گفتم آقا دیدید که خداوند متعالی با مظلومان است گفت چطور؟ گفتم من همان پاسداری هستم که امروز صبح بهم گفتید دیوانه یه مرده از دهات برداشته آورده میگه شهید!!! حالا دیدید که واقعا هم شهید بود!!! باعصبانیت گفت من نگفتم تهمت نزدیک، برو آقا، آخر وقتی حال مارو بگیر!!! خلاصه شهید را برگردانیم به ارسنجان و فردایک تشییع جنازه با شکوهی برایش برگزار کردیم و در گلزار شهدای امامزاده کفر به خاک سپرده شد.

سجاد پناهی



هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر آری ۱۳۹۹۶۰۳۱۱۰۱۹۰۰۰۱۵۷ - ۱۳۹۹۶۰۳۱۱۰۱۹۰۰۰۱۵۷ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوانات تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی زیر واقع در قطعات سه بوانات بخش ۱۴ فارس محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را مراجع قضایی تقدیم نمایند. آقای عظیم رضایی به شماره شناسنامه ۲۱۸ کد ملی ۵۱۳۹۷۶۱۲۵۴ صادره از بوانات فرزند مراد در ششادانگ یک باب خانه به مساحت ۲۱۵ مترمربع تحت پلاک ۲۵۱۷ فرعی از ۳۴۴ اصلی مفروز مجزا شده از پلاک ۴۰۷ فرعی از ۳۴۴ خریداری از سهام سیواوش مابشری احدی از ورثه محمدیوسف مابشری بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۱/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶
م الف / ۹۴۴

سید محمدرضا قرشی
رییس ثبت اسناد و املاک بوانات

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر آری ۱۳۹۹۶۰۳۱۱۰۱۹۰۰۰۱۵۶ - ۱۳۹۹۶۰۳۱۱۰۱۹۰۰۰۱۵۶ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوانات تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی زیر واقع در قطعات سه بوانات بخش ۱۴ فارس محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را مراجع قضایی تقدیم نمایند.

آقای غلامعلی راستی به شماره شناسنامه ۱۳ کد ملی ۵۱۳۹۷۱۲۳۴۲ صادره از بوانات فرزند اسفندیار در ششادانگ یکدرب باغچه به مساحت ۹۰۰ مترمربع تحت پلاک ۲۵۳۶ فرعی از ۳۴۴ اصلی مفروز مجزا شده از پلاک ۴۰۷ فرعی از ۳۴۴ خریداری از سهام ورثه نوراله نگهبانی بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۱/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶
م الف / ۹۴۱

سید محمدرضا قرشی
رییس ثبت اسناد و املاک بوانات

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر آری ۱۳۹۹۶۰۳۱۱۰۱۹۰۰۰۱۲۶ - ۱۳۹۹۶۰۳۱۱۰۱۹۰۰۰۱۲۶ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوانات تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی زیر واقع در قطعات سه بوانات بخش ۱۴ فارس محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را مراجع قضایی تقدیم نمایند. آقای فرید نگهبانی به شماره شناسنامه ۲۸۱۴ کد ملی ۵۱۳۹۳۳۲۸۱۲۷ صادره از بوانات فرزند روح الله در ششادانگ یک باب خانه به مساحت ۱۰۳۹/۵۶ مترمربع تحت پلاک ۲۵۳۴ فرعی از ۳۴۴ اصلی مفروز مجزا شده از پلاک ۴۱۰ فرعی از ۳۴۴ خریداری از سهام روح الله نگهبانی بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۱/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶
م الف / ۹۳۹

سید محمدرضا قرشی
رییس ثبت اسناد و املاک بوانات

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر آری صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوانات تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی زیر واقع در قطعات سه بوانات علیا و پنج سرچهان بخش ۱۴ فارس محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را مراجع قضایی تقدیم نمایند. خانم سکینه خاکپور به شماره شناسنامه ۲۳۱۱ کد ملی ۵۱۳۹۳۶۱۳۴۵ صادره از بوانات فرزند عباس در ششادانگ یک باب خانه قدیمی (مخروبه) به مساحت ۵۶۶/۳۳ مترمربع تحت پلاک ۲۸۲۵ فرعی از ۳۴۳ اصلی مفروز مجزا شده از پلاک ۴ فرعی از ۳۴۳ خریداری از سهام نصرت الله کریمی بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۱/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶
م الف / ۹۳۷

سید محمدرضا قرشی
رییس ثبت اسناد و املاک بوانات

جای خالی مدافعان سلامت

بیش از چهارده ماه از شیوع گسترده کرونا در کشور می‌گذرد. در این یک سال و اندی، تمام اقبال و مشاغل تحت‌تاثیر کرونا با مشکلات زیادی روبه‌رو شدند. برخی کم‌درآمد یا حتی بیکار شدند و عده‌ای برای انجام کارهای روزمره در شرایط کرونا با سختی‌های گذران زندگی کردند. اما هیچ‌کدام در خط مقدم مبارزه با کرونا روزگار نگذراندند. کادر درمان در این ماه‌ها سخت‌ترین دوران زندگی حرفه‌ای خودشان را تجربه کردند. پرستاران، پزشکان، نیروهای اورژانس و... با شیوع کرونا، بخش عمده زندگی‌شان را در مراکز درمانی و در یک قدمی کرونا سپری کردند. در این بین و در مسیر مراقبت و درمان بیماران، کمتر از همیشه در خانه بودند و لحظاتی هم که در کنار خانواده بودند نگران بودند که نکتد ناقل باشند و عزیزان‌شان را مبتلا کنند. آن‌ها در این راه با صدمات روحی و جسمی فراوانی همراه شدند و تا به امروز بیش از ۳۰۰ شهید را در این راه به کشور تقدیم کرده‌اند. بیش از ۳۰۰ دختر، مادر، پدر و... از خانواده‌های ایرانی جان‌شان را فدا کرده‌اند تا کرونا در ایران کنترل شود. اما حالا و در این چهارده ماه گذشته، جامعه درمانی کشور که یقیناً بیشترین تأثیر را از کرونا در زندگی‌شان تجربه کرده‌اند؛ چه سهمی در سینما و تلویزیون داشته‌اند؟ به جز مستند و برنامه‌های سیما چه آثاری تولید شده است؟ آیا فیلم یا سریالی ساخته شده که در آن بخشی از زندگی کادر درمان در شرایط خاص کرونا را تصویر کرده باشد؟ نه؛ انگاری خبری نیست. / صبح نو

مدیریت کرونا، ویروسی شد



این روزها شاهد نزاع بین وزیر بهداشت و درمان، سعید نمکی و رئیس‌جمهوری، حسن روحانی در مسائل مربوط به بحران کرونا هستیم. یک روز، وزیر بهداشت و درمان درباره مدیریت و این‌که به او اجازه کار نداده‌اند، می‌گوید و روز بعد، رئیس‌جمهوری جواب او را می‌دهد. جدال لفظی بین رئیس‌جمهوری و وزیر بهداشت و درمان، می‌تواند زنگ خطر مدیریت بحران کرونا را به صدا دریاورد. توجه به فرماندهی واحد و یکدست در مدیریت بحران، مساله بسیار مهمی است. این‌که نظرات مدیران بحران با هم متفاوت باشد امر عجیبی نیست اما این‌که نظرات مخالف رسانه‌ای شود، می‌تواند به مدیریت بحران کرونا ضربه بزند.

چندصدایی در مدیریت بحران کرونا باعث ایجاد ابهام می‌شود. ابهام می‌تواند مردم را در رعایت پروتکل‌های بهداشتی مردد کند. حال شاهد کاهش رعایت پروتکل‌های بهداشتی توسط مردم هستیم.

بنابراین می‌توان گفت اگر رئیس‌جمهوری نمی‌تواند با وزیر بهداشت و درمان کار کند، بهتر است شخص دیگری را جایگزین ایشان کند. نباید فراموش کنیم نزاع بین دو مدیر ارشد، فقط به ضرر مردم است و سلامت مردم جامعه را هدف گرفته است. بحران ویروس کرونا افزایش پیدا کرده است و هر روز آمار ابتلا و مرگ و میر ناشی از آن بیشتر می‌شود. بی‌توجهی به سلامت مردم و توجه به بگومگوهای سیاسی می‌تواند این آمار را در روزهای بعد افزایش دهد. زمان می‌تواند راه‌حل مشکلات مدیران دولتی باشد. شرایط امروز جامعه ایرانی، شبیه شش ماه پیش جامعه آمریکا است؛ زمان انتخابات و زمانی

که دو نامزد انتخاباتی، مدیریت کرونا را رها کردند و به تنش‌های سیاسی پرداختند. این روزها هم مدیران دولتی به‌جای مدیریت بیماری کرونا به جدال سیاسی می‌پردازند. دو ماه تا زمان انتخابات ایران مانده اما از همین امروز تیرهای سیاسی به سمت مدیریت بحران کرونا رها شده است. عقده‌های سیاسی در صحنه مدیریت بحران کرونا باز شده‌اند. حالا زمان حساسی سیاسی نیست. به‌وقت کارشناسان می‌توانند به نحوه مدیریت رئیس‌جمهوری یا وزیر بهداشت و درمان در زمان کرونا بپردازند. امروز همه باید تمام توان‌شان را متوجه مقابله با بیماری کرونا کنند. تنها راه مقابله با بیماری کرونا، فاصله‌گذاری اجتماعی و واکسیناسیون ملی است. در شرایطی که همه کشورها به شکل یکسان به واکسن

دسترسی ندارند، فاصله‌گذاری اجتماعی بهترین راه‌حل است. در فرانسه تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد از مردم، یک دوز واکسن تزریق کرده‌اند و در ژاپن هم تعداد اندکی از مردم واکسن زده‌اند، بنابراین در شرایطی که در بسیاری از کشورها واکسیناسیون به‌طور کامل انجام نشده است، فاصله‌گذاری اجتماعی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی تنها راه‌حل کاربردی و عملی است اما رعایت پروتکل‌های بهداشتی، عزم ملی، همکاری و مدیریت یکپارچه را می‌طلبد و چندصدایی و نزاع مدیران دشمن مدیریت یکپارچه بحران کروناست..

مهدی زارع کارشناس مدیریت بحران
جام جم

هفته سلامت با شعار «ساختن جهانی عادلانه تر و سالم تر»



اول تا هفتم اردیبهشت ماه هر سال به عنوان هفته سلامت نامگذاری شده که با توجه به شرایط روز دنیا و برای اطلاع رسانی و جلب مشارکت همگان در آن حوزه و شعار روز جهانی بهداشت، شعار هفته سلامت نیز تعیین می شود؛ شعار امسال روز جهانی بهداشت و هفته سلامت «ساختن جهانی عادلانه تر و سالم تر»
(building a fairer healthier world)

نام گرفته است. توجه به نکات زیر برای تحقق شعار روز جهانی بهداشت و هفته سلامت مورد اهمیت می باشد: *بیماری همه گیر کووید ۱۹ دستاوردهای اخیر سلامت را کاهش داده، افراد بیشتری را به فقر و عدم امنیت غذایی سوق داد و نابرابری های جنسیتی، اجتماعی و بهداشتی را تقویت کرده است. *به عنوان بخشی از یک اقدام جهانی برای ساختن جهانی عادلانه و سالم، اقدام برای از بین بردن نابرابری های بهداشتی باید انجام شود، این کمپین اصل قانون اساسی سازمان بهداشت جهانی که «

برخوردار از بالاترین استانداردهای بهداشتی یکی از حقوق اساسی هر انسانی بدون برتری نژاد، مذهب، عقاید سیاسی، شرایط اقتصادی با اجتماعی است»، را برجسته می سازد.

*نابرابری های بهداشتی با استراتژی هایی که توجه بیشتری به بهبود عدالت سلامت، به ویژه برای گروه های آسیب پذیر و حاشیه نشین ها دارد، قابل پیشگیری است.

*کووید ۱۹ به سختی به همه کشورها ضربه زده است، اما تاثیر آن در جوامع آسیب پذیر، این است که بیشتر در معرض این بیماری قرار گرفته و احتمال دسترسی به خدمات بهداشتی با کیفیت کمتر و عواقب ناگوار برای آنها وجود دارد.

*به همین دلیل کشورها باید اطمینان حاصل کنند که همه افراد، بسته به نیازها، در جوامع خود قادر به دسترسی به خدمات بهداشتی با کیفیت باشند.

مریم عوافی، کارشناس واحد آموزش سلامت مرکز بهداشت ارستان

دکتر حمیدرضا قادری، پزشکی که اهل فرهنگ و رسانه است و دستی هم بر آتش قلم دارد، برایمان توضیح می دهد حساسیت فصلی چیست و باید با آن چه کرد

کرونا یا حساسیت؟ مساله این است!

اگر می خواهید از درمان های طبیعی و گیاهی استفاده کنند حتما و فقط از پزشکانی که طب سنتی را به طور آکادمیک فرا گرفته اند یا اطباء سنتی که سال ها در این زمینه امتحان شان را پس داده اند، مشاوره بگیرید و به هر توصیه از هر کسی هم استناد نکنند.

در آخر، توصیه شما برای درمان خانگی حساسیت فصلی چیست؟

باز هم می گویم حساسیت اگر ادامه دار باشد و علائمی شدیدتر نظیر کهیر و تنگی نفس را نشان دهد، باید تخصصی تر و زیر نظر پزشک متخصص درمان شود. اما برای تخفیف علائم آلرژی در منزل هم می توان کارهایی انجام داد.

مثل پرهیز از مواد حساسیت زده، قرقره آب نمک (بیشتر از دو یا سه بار در روز نشود که خودش ضرر دارد)، مصرف مایعات و سبزی تازه، انجام ورزش منظم و پرهیز از استرس که سیستم ایمنی بدن را برانگیخته می کند و غیر از مستعد شدن برای حساسیت، احتمال ابتلا به کرونا را هم بیشتر می کند. / جام جم

پزشکی باشند، به توصیه های خانگی و طب سنتی عمل می کنند. شما چقدر این توصیه های خانگی را موثر می دانید؟

اکثر این درمان های خانگی اگر فایده نداشته باشند ضرر هم ندارد. البته به دو نکته توجه داشته باشید؛ یکی این که من این حرف را الان با شما و فقط درباره موضوع حساسیت فصلی دارم می گویم و نمی شود به این حرف در ارتباط با دیگر بیماری ها استناد کرد و دوم این که این حرف من وقتی اعتبار دارد که این درمان های خانگی و طب سنتی جایگزین درمان پزشکی و دارویی نشوند. در این صورت و با توجه به این دو نکته باید بگویم درمان های خانگی حساسیت با این که خیلی مقالات و پشتوانه علمی پشت شان نیست اما در بعضی موارد کاربردی اند و همان طور که گفتم اگر در بسیاری از موارد فایده ای برای درمان حساسیت نداشته باشد، ضرری هم ندارد.

توصیه هایی مثل استفاده از خاکشیر و عرق کاسنی و خارشتر و دیگر توصیه های خانگی. البته در این مورد هم توصیه من به بیماران درگیر حساسیت این است

داریم. مثل حساسیت به دارو یا ماده شیمیایی که بدن بعضی از افراد نسبت به بعضی داروها حساسیت نشان می دهد. شاید آشناترین دارویی که بعضی از مردم به آن حساسیت دارند، برای ما همان پنی سیلین باشد. یک مثال دیگر از انواع شایع حساسیت هم می تواند حساسیت به محصولات پوششی حیوانی باشد که بعضی مردم در سراسر دنیا با آن درگیرند. یکی دیگر از انواع بسیار شایع حساسیت هم همین حساسیت فصلی است که داریم درباره اش با هم گفت و گو می کنیم. در هر کدام از این حساسیت ها ریشه حساسیت می تواند ژنتیک باشد یا به دلیل تغییرات هورمونی در بدن ایجاد شود که نهایتا به حساسیت بیش از اندازه سیستم ایمنی می انجامد.

علائم حساسیت چقدر به علائم کرونا شبیه است؟

امسال یکی از مشکلات دو چندان بیمارانی که با حساسیت درگیرند این است که شاید در روزهای اول درگیری با حساسیت، احساس کنند که کرونا گرفته اند. از علائم شاخص حساسیت می توان به عطسه، خارش چشم و گلو و در بعضی موارد کهیر اشاره کرد که بسیار به علائم روزهای اول کرونا شبیه است. به همین علت است که امسال توصیه پزشک ها به مردم این است هر علامت این چنینی را به حساب کرونا بگذارند مگر خلافتش ثابت شود!

حالا با این وضعیت خلافتش چطور ثابت می شود؟

توصیه ما به مردم این است اگر این علائم را در خودشان دیدند، در اولین اقدام به مدت ۷۲ ساعت به یک قرنطینه نسبی بروند. بهتر است پس از بروز این علائم، بیمار سه روز رعایت های بهداشتی اش را تشدید کند و تا جایی که می تواند ارتباطش را با اطرافیان کم کند. این سه روز همه چیز را مشخص می کند. اگر پس از این سه روز علائم شدیدتر شد، کرونا بروز کرده و باید برود تست کرونا بدهد. اگر هم بعد از سه روز علائم آلرژی همچنان باقی ماند باید برود دنبال درمان آلرژی.

بسیاری از افراد برای درمان آلرژی فصلی شان بیش از این که به دنبال درمان

این روزها مشکل کسانی که با حساسیت فصلی دست و پنجه نرم می کنند دو چندان شده است. اول از همه باید با ترس خودشان کنار بیایند و بعد به اطرافیان شان ثابت کنند فقط درگیر یک جور حساسیت فصلی شده اند و کرونا نگرفته اند. از طرفی چندی پیش ویدیویی در فضای مجازی همه گیر شد که یک پزشک عنوان می کرد این روزها هر کسی که عطسه می کند کرونا دارد و دیگر نباید مردم این علائم را بگذارند پای حساسیت فصلی. فراگیری این اطلاعات هم باعث شد مردم بیش از پیش از بروز این علائم ترس برشان دارد و در همان روز اول بروز علامت بروند سراغ تست کرونا و هزینه ای به دوش خودشان و کادر درمان تحمیل کنند. اگر اهل جست و جو کردن حرفه ای در اینترنت باشید حتما با اصطلاح «طوری توضیح بده انگار پنج سالم است!» آشنا باشید. شیوه ای است برای دریافت اطلاعات از هر چیزی به ساده ترین شکل ممکن. متخصصانی در سراسر دنیا از موضوعات تخصصی حوزه خودشان تعاریفی ارائه می کنند که در عین دادن اطلاعات صحیح و آشنایی کافی، برای یک کودک پنج ساله هم قابل فهم باشد. در این قسمت با موضوع حساسیت فصلی سراغ دکتر حمیدرضا قادری رفته ایم تا برای ما کودکان پنج ساله توضیح دهد به طور کلی حساسیت فصلی چیست و در این دوره ای که علائم حساسیت مشابه علائم کروناست، اگر درگیر حساسیت شدیم باید چه کارهایی را انجام دهیم و چه کارهایی را انجام ندهیم.

لطفا برای یک کودک پنج ساله توضیح دهید حساسیت فصلی چیست و چرا در فصل بهار گریبان گیرمان می شود؟

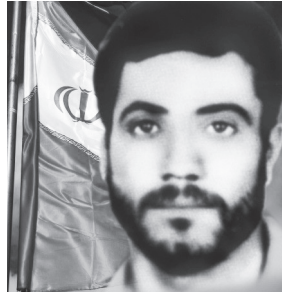
آلرژی یا حساسیت فصلی مختص فصل بهار نیست و در اوایل پاییز هم با چنین مشکلی روبه رو هستیم. این شکل از آلرژی وقتی بروز می کند که هوا پر از گرده های گل و گیاه است یا با یک تغییر فصل ناگهانی مواجه ایم. برای مثال تغییر فصل زمستان به بهار یا تابستان به پاییز می تواند این شکل از آلرژی را رقم بزند.

چرا می گویم این شکل از آلرژی؟ به این دلیل که ما در دنیا شکل ها و انواع مختلفی از آلرژی و حساسیت





شهید هفته



زنده نگهداشتن خون شهید

این شماره تقدیم میشود به روح مطهر **نادعلی هوشیار**

مقام معظم رهبری: در دوران گذشته، وقتی که یک نمونه از این نمونه‌های شهدای امروز ما، از تاریخ صدر اسلام انتخاب و معرفی میشد و شرح حال او بیان میگردد، تغییر واضح و شگفت‌آوری در دلها و جانها و حتی در همها و تیتها به وجود می‌آورد. هر یک از این ستارگان درخشان، میتوانند عالمی را روشن کند. بنابراین، حقیقت شهادت حقیقت عظیمی است. (۱۳۹۷/۰۶/۲۱)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۱/۲۷ | محل شهادت: ماووت عراق | مزار شهید: گلزار شهدای محله بوکان

گلبرگ هایی از نهج البلاغه

قال علی علیه السلام: «ایاک و مصادقه الاحمق، فانه برید ان ینفک فیضک و مصادقه البخیل، فانه یبعد عنک احوج ماتکون الیه، و ایاک و مصادقه الفاجر، فانه یبیکع بالتافه، و ایاک و مصادقه الکذاب، فانه کالسراب: یقرب علیک البعید و یبعد علیک القرب».

از دوستی با نادان بپرهیز، چون او می خواهد به تو سود برساند، ولی از روی نادانی زیان می رساند، از دوستی با شخص تنگ نظر بپرهیز، چون او تو را، هنگامی که به شدت نیازمند او باشی رها می کند، از دوستی با شخص بد کاره بپرهیز، چون او به ناچیزترین قیمت ها تو را می فروشد، و از دوستی با دروغگو بپرهیز، چون او، مانند سراب، فریب می دهد. دور را در نظرت نزدیک نشان می دهد، و نزدیک را دور جلوه گر می سازد. از این سخن گهر بار امام علی (ع) چنین برداشت می شود که وقتی می خواهی با کسی دوست شوی مراقب باش که او، جزو هیچ کدام از این چهار گروه نباشد. چون امام علیه السلام، به خاطر خیر و صلاح مسلمانان، سفارش کرده است که از دوستی با این گونه افراد، دوری کنندو چه زیبا گفته اند که نادان را از هر طرف که بخوانی باز هم نادان است. سید حسام حسینی

گلویت را بگیر از خانه با دندان بیر بیرون کلاهت را بیوش، از برف و سرما جان بیر بیرون تو گرگی، زاده‌ی گرگی و تنها گرگ می‌زایی خودت را از توحش‌خانه‌ی انسان بیر بیرون

قدم بردار و با هم‌روزه‌هایت آشنا تر شو سر از سنگینی برف نیاز و نان بیر بیرون

کلید از استخوانت، میله‌ها از استخوان‌هایت تنت را جمع کن، از یوغ زندان‌بان بیر بیرون

تو را با داستانی می فریبد پیر زندان‌بان خودت را از مسیر سجده‌ی شیطان بیر بیرون

تو در این دایره بیهوده می‌گردی، مسیرت را -چه فرقی می‌کند آغاز یا پایان؟- بیر بیرون.

رضا آسیایی

مادر میان بستر خود روضه می خواند با اشک های کوثر خود روضه می خواند نیت نمود و شانه زد بر موی زهرا با مویه های آخر خود روضه می خواند او چند مدت رنگ نیلی خواب می دید بر شاخه نیلوفر خود روضه می خواند خیره به در می شد و یا این که به دیوار یا که به روی دختر خود؛ روضه می خواند با روضه های کوچک، او از حال می رفت با یاد یاس پرپر خود روضه می خواند وقتی گریز روضه هایش کربلا بود با ناله بغض آور خود روضه می خواند مادر بزرگ ماه های روی نیزه بر کشته های بی سر خود روضه می خواند بر پاره قلبش که زیر دست و پا ماند بر پاره های پیکر خود روضه می خواند اصلا در عاشورا به عالم کرد رجعت بر روی تل، بر منبر خود روضه می خواند از غارت و آتش درون خیمه می گفت می سوخت، با خاکستر خود روضه می خواند زینب شبیه اوست، نه اصلا خود اوست یعنی برای معجز خود روضه می خواند

محسن حنیفی

سلام بر تو که خیر النسا به ما دادی سلام بر تو که درس وفا به ما دادی سلام بر تو که با جان، بها به ما دادی سلام بر تو که روح عطا به ما دادی چه گویم و چه نویسم ز مدحتان بانو شما که شمس و قمر پیشتان زده زانو فرشته ای که خدا هدیه کرده بر احمد ملیکه ای که نگاهش طراوت انگیزد زنی که که غیر رسول و خدا نمی بیند کسی که طاق و صبرش بود فزون از حد زنی نبوده به جز همسر رسول خدا که در تمامی عمرش ز او نبوده جدا شریک زندگی مصطفی شما هستی به دل ملیکه مهر و وفا شما هستی انیس درد و غم مرتضی شما هستی به غصه ها که بود مبتلا شما هستی پناه جمع خلائق به روز واهمه ای خدیجه همسر پیغمبر، ام فاطمه ای درود بر تو که اول زن مسلمانی عزیز حضرت طاها عزیز یزدانی برای ختم رسولان تو جان جانانی خدا گوا هست که فخر تمام نسوانی روا بود که بگویم بقای اسلامی به صدق و نیت پاکت صفای اسلامی خدیجه ای و خدا بر شما نظر دارد که با وجود شما مصطفی سپر دارد دلم همیشه هوای تو را به سر دارد خوشا کسی که برایت دو دیده تر دارد اگر اجازه دهی در عزایتان بانو ز دیده اشک بیارم برایتان بانو

میلاذ یعقوبی

ماه رمضان، ماه عبادات و صفا است هنگام مناجات و تمنا و دعا است بر سفره ی پربرکت رب، ما همه مهمان دریای کرامات خدا شامل ما است خواب رمضان عین ثواب است و ستایش هر لحظه نفس های تو تسبیح خدا است شیطان شده زنجیری در این ماه مبارک بنگر تو که الطاف خدا تا به کجا است گویا که در آغوش پر از مهر خداییم در لحظه ی نابی که دو دست سوی سما است یارب بده توفیق رهایی ز گناهان آسوده، دلی کز صف شیطانی جدا است

فرح یار محمودی

سحر با روی تو بیدار گشتن عالمی دارد و شب با شب بخیر تو عجب زبر و بمی دارد چنان گم گشته و حیران زده در ناو مژگانت فدای موج گیسویت عجب پیچ و خمی دارد ز خلق و خوی تو از بلغم و سودا و صفراوی خوشا آن دل که با دمد مزاجت همدمی دارد بیا با من مدارا کن چو عذرا لیلی و شیرین که حوا هم برای خود مگر نه آدمی دارد!!!

محمد علی اسکندری

یک روز بد کردم اگر، تو حالی ام کن فکری به حال دستهای خالی ام کن این جسم درگیر است بافسرده حالی یک روح تازه در تن پوشالی ام کن درمن طلوعی کن تو ای بانوی شرجی امروز، درگیر غروب شالی ام کن برمن بار ای عشق، ای چشمان ابری من سیل میخوامم کمی تر سالی ام کن وقتی سکوت مبهمم از نوع درد است چنگی بزن، شعری بخوان جنجالی ام کن جامی بده، پیکری بزن، حال مرا نیز از خوبها هم خوبتر! نه.. عالی ام کن مثل زمان بچگی، لکنت بگیریم با دستهای کوچک خود «یالی ام» کن عاقل ترین عاشق تویی برمن ببخشا هرروز من دیوانه ام، تو حالی ام کن

عبدالرضا روستا

با پنجره ها نسبت فامیلی داشت در رشته ی گل مدرک تحصیلی داشت هر زخم که می دید خریدارش بود از عشق مگر بیمه ی تکمیلی داشت ؟ ***** آینه فقط ظاهر نورانی نیست پروانه شدن کار هر انسانی نیست دیشب پدرم به خنده این را می گفت اخلاص به پینه های پیشانی نیست

سید حسام حسینی

رمضان می گذرد، باز همانم که همانم تب بی حالی و بی حاصلی افتاده به جانم غیر کم خوردن و آزار کشیدن نشد حاصل نوحه ای ساخته ام بر غزل مرده بخوانم هیچ اشراف ندارم به خودم دانم و دانی زار بیچاره ترین خلقت موجود جهانم زده ام تکیه به طاعات غروری شکننده خسته از فاجعه ی در بدری، روح و روانم تا نمازم همه تصویر و ردیف کلمات است راحتی راه ندارد به دل پر هیجانم آن نمازی که من مدعیش دارم شرم به تماشای کدام آینه هایت برسانم هنر بی عملی ها و تب شعر زمان سوز دانم افزون نکند بارقه ای را به توانم قطعه ای شعر خوشایند برایت نسرودم لغتی حرف پسندیده نیامد به زبانم منقلب می شوم آنجا که ندارم حسناتی نگران نیستم از رحم تو، از خود نگرانم کم ز هفتاد گذشت ست در این عرصه ی خاکی مرغ بد چینه ی خاکی صفت بی طیرانم من از این پرده چه چیزی به تماشا بگذارم که شهادت ندهد نزد خلائق به زبانم چه بخوانم، چه بگویم، که سزاوار تو باشد به کدامین جهت این بی همه جا را بکشانم باز امید من از دست نرفت است خدایا من فقیرم به سر سفره ی دولت بنشانم

الهیار خادمیان صادق

انتظار....

کنارت نیاشم دلم غرق آه است نگاهم شکسته وجودم تپا است غرورم غمین و غمگم جانگداز است شیم بی صفا هست و روزم سیاه است تمام وجودم به راهت نشست تمام نگاهم به آن روی ماه است نزن تیغ طعنه به جان و دل من نکش عاشقت را که عین گناه است تورا دوست دارم تو ای عشق شیرین به ملک وجودم وجود تو شاه است جوان می شوم من اگر باز آیی تو باور نداری خدایت گواه است برای وصلت بگو تا بمیرم اگر هم بمیرم دو چشمم به راه است زلیخا زلیخا عزیز ی، اگر چه دل پوست غرق افسون چاه است بیا تا بیاید صفا، تا بیاید شکوه جهانی که عز است و جاه است نه من منتظر بلکه در انتظار گل و گلشن و گلزار و گیاه است منم خوشدل صبح روزی که آبی نگاهم همیشه به آن صبحگاه است تو باشی به اوجم نباشی به قهرم دلم بسته ی گوشه چشمی نگاه است

جعفر زارع (خوشدل)